

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

مسئله هشتم:

در مسئله هشتم امام(ره) فرموده‌اند: «إذا كان المجتهدان متساويين في العلم يتخير العامي في الرجوع إلى أيهما، كما يجوز له التبعيض في المسائل بأخذ بعضها من أحدهما وبعضها من الآخر».

تخیر در مجتهدین متساویین

در این مسئله دو مطلب عنوان می‌شود، مطلب اول این است که اگر دو مجتهد در علم مساوی باشند، عامی و مکلف در رجوع به هر کدام از این دو مخیر است، که این مسئله را قبلاً مفصل عرض کردیم و گفتیم که مشهور قریب به اتفاق همین نظریه را دارند که در مجتهدین متساویین عامی در رجوع به هر کدام از آنها مخیر است.

اما برخی قائل بودند که باید در اینجا به احوط القولین عمل کند، که قبلاً عرض کردیم که هم از نظر عقل و هم از نظر نصوص وارد، می‌توانیم چیزی را بنام حجیت تخیری در اینجا مطرح کنیم، که عقل در جایی که دو مجتهد مساوی هستند، در رجوع به هر کدام از آنها ما را مخیر می‌داند.

ادله نقلیه‌ای هم که دلالت بر حجیت فتوا دارد، شامل هر کدام از این دو فتوا می‌شود و نتیجه شمولش نسبت به هر کدام حجیت تخیری است، که بحث مفصلي بود که عرض شد.

اما مرحوم آقای خوئی(ره) فرموده‌اند: چیزی بنام حجیت تخیری در شریعت نداریم، که در مقابل فرمایش ایشان، اثبات کردیم که حجیت تخیری داریم. لذا بحث این قسمت اولش در اباحت گذشته بیان شد.

تبعیض در تقلید در مجتهدین متساویین

مطلب دوم هم این است که فرموده‌اند: در مسائل تبعیض جایز است، یعنی در اینجا که مجتهدین متساویین هستند، مکلف می‌تواند بعضی از مسائل را از یکی و بعضی دیگر را از دیگری تقلید کند و تبعیض در مسائل در اینجا که مجتهدین متساویین هستند جایز است.

حال بحثی که در اینجا باید عنوان کنیم این است که چه دلیلی بر جواز تبعیض داریم و آیا در جایی که احدهما اعلم در عبادات

است و دیگری اعلم در معاملات، تبعیض واجب است یا نه؟

مرحوم سید(ره) در کتاب عروه در مسئله 47 مسئله تبعیض را عنوان کرده و فرموده: «إذا كان مجتهدان أحدهما أعلم في أحكام العبادات، والآخر أعلم في المعاملات، فالأحوط تبعيض التقليد»، اگر دو مجتهد باشند که یکی اعلم در عبادات و دیگری اعلم در معاملات، احوط این است که مکلف تقلیدش را مبعوض کند، یعنی در عبادات سراغ اعلم برود و در معاملات سراغ اعلم دیگر.

البته چون مرحوم سید(ره) رجوع به اعلم و لزوم تقلید از اعلم را بنابر احتیاط وجوبی قائل بودند، تبعاً در مسئله تبعیض بین این دو اعلم هم باید احتیاط کنند، اما کسانی که تقلید از اعلم را به نحو فتوا قائل اند، در اینجا هم نسبت به تبعیض باید فتوا دهند و کسانی هم که در مجتهدین متساویین قائل به جواز تخییر بینهما هستند، تبعیض بینهما را هم باید جایز بدانند.

ادله بر تبعیض

خوب حال باید اصل مستند تبعیض را بررسی کنیم، تا ببینیم چه در جایی که به نحو جوازی است، چه جایی که به نحو وجوبی است، چه باید گفت.

دلیل بر تبعیض این است که ادله حجیت فتوا شامل هر دو می شود، ادله حجیت فتوا این مجتهد را شامل می شود و هم فتوای مجتهد دیگر را، این ادله اطلاق دارد و اطلاقش می گوید: می توانی بعضی را از این مجتهد و بعضی را از مجتهد دیگر تقلید کنی.

وقتی حجیت تخییری را از ادله حجیت فتوا استفاده کردیم، اطلاقش می گوید: می توانیم بعضی را از این مجتهد و بعضی را از آن مجتهد بگیریم، یعنی همان طور که اطلاقش دلالت دارد که می توانید تمام مسائل را از یکی از اینها به نحو معین تبعیت کنید، بعضی مسائل را هم می توانید از این و بعضی دیگر را از دیگری تبعیت کنید.

در اینجا اگر کسی بگوید که دلیل بر تخییر اجماع است، باید از آن قدر متیقن گیری کنیم، اجماع که می گوید: شما مخیر هستید، قدر متیقنش نسبت به جمیع مسائل است، یعنی می گوید: مخیرید که یا در همه مسائل تابع زید شوید و یا در همه مسائل تابع عمر، جوابش این است که دلیل بر تخییر منحصر به اجماع نیست، بلکه اطلاق ادله حجیت فتوا یکی از ادله ای است که از آن حجیت تخییری را استفاده می کنیم. بنابراین دلیل منحصر به اجماع نیست، تا اینچنین گفته شود.

جواز تبعیض در مرکبات ارتباطیه

مطلبی که در اینجا وجود دارد این است که برخی گفته اند که تبعیض را قبول می کنیم، اما در مسائل غیر مرتبط و در مواردی که در اجزاء مرکب واحد نباشد، مثلاً گفته اند که شما در صلاه مقلد زید شوید و در حج مقلد عمر، حال اگر پنج مجتهد متساوی هم بود، تبعیض بین این پنج نفر هم، در مسائل غیر مرتبط مانعی ندارد.

اما در مسائل مرتبط و در مرکبات ارتباطیه نمی توانیم تبعیض را قبول کنیم، مثلاً دو مجتهد هستند، یکی می گوید: سوره در نماز واجب است و دیگری می گوید: واجب نیست، یک مجتهد نسبت به تسبیحات اربعه می گوید: باید سه مرتبه خواند، دیگری می گوید: یک مرتبه هم کافی است و سه مرتبه لازم نیست.

حال در نماز، در مسئله سوره از يك مجتهد تبعیت کند و در تسبیحات اربعه از مجتهد دیگر، مثلاً در تسبیحات اربعه از مجتهدی تبعیت می‌کند که می‌گوید: یک مرتبه هم کافی است، اما همین مجتهد می‌گوید: سوره در نماز واجب است، این شخص تسبیحات اربعه را یک مرتبه بیاورد، سوره را هم در نماز نیاورد، یعنی در مسئله عدم لزوم سوره مقلد دیگری شود. آیا کسانی که قائل به جواز تبعیضند، در چنین مواردی هم، یعنی در يك مرکب ارتباطی و در عملی که اجزایش با یکدیگر ارتباط دارد، قائل به جواز تبعیض هستند یا نه؟

خوب عبارت مرحوم امام(ره) در تحریر الوسیله و عبارت مرحوم سید(ره) در عروه اطلاق دارد و در جواز تبعیض یا در این که احتیاط این است که تبعیض شود، فرقی نگذاشته‌اند که در جایی که در يك عمل واحد باشد که دارای اجزاء مرتبط به یکدیگر است، یا در جایی که در عمل واحد نباشد.

نظریه مرحوم خوئی(ره) بر عدم جواز تبعیض در مرکبات ارتباطیه

مرحوم آقای خوئی(قدس سره) (تنقیح، جلد اول، صفحه 312) در جایی که کسی در عمل و مرکب واحد بخواهد تبعیض را پیاده کند فرموده‌اند: به نظر ما این باطل است و این تبعیض را قبول نداریم.

دلیلی که ایشان اقامه کرده‌اند این است که در مرکب واحد، صحت هر جزئی متوقف بر صحت بقیه اجزاء است، در مرکب واحد اگر یکی از اجزایش هم باطل باشد، و لو بقیه اجزاء صحیحاً هم آورده شود، فایده‌ای ندارد، به تعبیری که ایشان فرموده: صحت در مرکبات ارتباطیه هم ارتباطی است، یعنی صحت این جزء مترتب بر صحت آن جزء است، صحت آن جزء هم مترتب بر صحت این جزء است و اگر احد الاجزاء باطل شد، بقیه هم باطل می‌شود.

در اینجا در این مثال که دو مجتهدند، که یکی می‌گوید: سوره در نماز واجب نیست، ولی تسبیحات اربعه را باید سه مرتبه بیاوریم، اما دیگری می‌گوید: سوره در نماز واجب هست، اما تسبیحات اربعه يك مرتبه هم کافی است، شخص نمازی خوانده که سوره را نیاورده و تسبیحات اربعه را هم يك بار آورده، فرموده‌اند: چه کسی به صحت این مجموع مرکب فتوا می‌دهد؟

هیچ مجتهدی به صحت این مرکب فتوا نمی‌دهد، تعبیر ایشان این است که «و ليس في البين من يفتي بصحة عمله و عدم وجوب الإعادة»، هم این مجتهد که گفته: سوره واجب نیست، ولی سه مرتبه تسبیحات اربعه لازم است، می‌گوید: باید اعاده کند و هم آن مجتهد دیگر، به عبارت اخري این نماز در نزد هر دوی اینها باطل است.

پس نتیجه‌ای که از این فرمایش ایشان می‌گیریم این است که تبعیض در جایی صحیح است که عمل، باطل عند الجميع نباشد، یعنی نزد همه کسانی که انسان در تقلید می‌تواند به آنها رجوع کند، عمل باطل نباشد.

نقد و بررسی این کلام مرحوم خوئی(ره)

والد بزرگوار ما(دام ظلّه) در کتاب تفصیل الشریعه بر مرحوم آقای خوئی(قدس سره) دو اشکال کردند، که اشکال عمده‌اشان این است که می‌فرمایند: بیایم معنای صحت يك عمل مرکب را بررسی کنیم، زمانی می‌گوییم: يك عمل مرکب صحیح است، که این عمل مشتمل بر اجزاء معتبره باشد، یعنی هر جزئی مستند به حجتی باشد، که اگر گفتیم که هر جزئی مستند به يك حجت است، در اینجا این عمل مرکب صحیح می‌شود.

خوب در ما نحن فيه هم همین طور است، می‌گوییم که در سوره، حجتش رای این مجتهد است، در تسبیحات اربعه، حجتش رای آن مجتهد است، لذا این عمل که تمام می‌شود، می‌توانیم بگوییم که مجموع این عمل مرکب، مشتمل بر اجزاء معتبره است و صحت غیر از این معنایی ندارد و نمی‌توانیم بگوییم که صحت معنایش این است که يك عمل مرکب، لااقل در نزد يك نفر صحیح باشد.

به عبارت اخري این را از کجا آورده‌اید که صحت معنایش این است که این عمل، مجموعاً نزد یکی از مجتهدین صحیح باشد، یا در مقابلش که فرموده‌اید: الان این عملی که انجام می‌دهد، عند الجميع باطل است، چه دلیلی بر قادحیت این بطلان دارید، که بگوییم: اگر عمل واحدی، من حیث المجموع نزد يك مجتهد باطل شد، این اشکال دارد؟

برای جزء جزء عمل حجت معتبره لازم داریم، که اگر آن حجت معتبره باشد، فیها المطلوب و عمل ما هم صحیح می‌شود، ولو این که این مجموع عمل در نزد یکی باطل باشد، این قادح نیست. صحت عبارت از اشتمال بر اجزاء معتبره است، که در اینجا هم، بر هر جزئی که انجام می‌دهیم دلیل داریم.

بنابراین ایشان فرموده‌اند: تبعیض ولو در مرکب واحد اشکال ندارد.

دفاع استاد محترم از مرحوم خوئی(ره)

اما دقت اقتضاء می‌کند که در اینجا حق با مرحوم آقای خوئی(قدس سره) باشد، برای این که بنا بر این فرمایش والد بزرگوار ما(دام ظلّه)، به ایشان عرض می‌کنیم، این که می‌فرمایید: صحت یعنی مشتمل بر اجزاء معتبر است، این مجتهد که گفته: سوره واجب نیست و مقلد هم نیاورد، این مجتهد حکم به اعتبار این جزء بالخصوص نمی‌تواند داشته باشد و یا مجتهدی که می‌گوید: تسبیحات اربعه يك بار کافی است، اگر از او بپرسیم، این که می‌گویید: يك بار کافی است، اگر در نمازی يك مرتبه تسبیحات اربعه را آورد، اما سوره را نیاورد، آیا آن يك بارش هم به درد می‌خورد؟ می‌گوید: نه.

این مطلب درستی است که می‌گوییم: صحت یعنی مشتمل بر اجزاء معتبره و دارای حجت باشد، اما این مجتهد که می‌گوید: آوردن تسبیحات اربعه يك مرتبه کافی است، اگر این را به نحو مطلق بگوید، می‌گوییم: خوب حال که يك بار آوردی، حجت و دلیل داری، پس این قسمت صحیح است، برویم سراغ قسمت بعد، اما همین مجتهد می‌گوید: اگر يك بار تسبیحات را آوردی اما سوره را نیاوردی، این يك بار هم کالعدم می‌شود، چون در اجزاء ارتباطیه واقعاً صحت ارتباطی هست.

بله اگر يك جزء از اجزاء مستقله بود، در آنجا می‌گفتیم هر کدام دلیل اعتبارش مستقل است، اما در اجزاء ارتباطیه، صحت هم واقعاً ارتباطی است، لذا حق با ایشان است که تبعیض در مرکب واحد ارتباطی جریان ندارد.

عدم جواز تبعیض در صورت ملازمه خارجی بین اعمال مستقله

از اینجا می‌خواهیم يك نکته دیگر هم بگوییم که گاهی اوقات در بعضی از موارد، مثلاً بین نماز قصر و عدم مشروعیت روزه دلیل بر ملازمه داریم، لذا در اینجا خیلی‌ها این سوال را مطرح می‌کنند که مثلاً در نماز، يك مرجع می‌گوید: زید که این خصوصیات را دارد، نمازش قصر است و نمی‌تواند روزه هم بگیرد، اما مرجع دیگر می‌گوید: نمازش تمام است و روزه هم می‌تواند بگیرد، خوب چه اشکالی دارد که تبعیض در تقلید را قائل شده، بگوییم: در باب نماز که می‌خواهد قصر بخواند، مقلد این مرجع شود، اما در باب روزه مقلد دیگری شده و روزه‌اش را هم بگیرد؟

خوب در اینجا هم در جای خودش گفته شده که از دلیل خارج ملازمه بین این دو را استفاده کردیم، که هر جا نماز قصر است، نمی‌شود روزه گرفت و هر جا نماز تمام است، می‌شود روزه گرفت، لذا اگر ملازمه را از دلیل خارجی استفاده کرده باشیم، باید تبعیض جایز نباشد، اما اگر گفتیم: دلیل خارجی بر ملازمه بینهما نداریم، کما این که برخی هم خواسته‌اند این را بگویند که در همین نماز و روزه دلیلی بر ملازمه بینهما نداریم، آن وقت از همین راه وارد شده می‌گوییم: چون دو عنوان و عمل مستقل از یکدیگرند، یکی نماز است و یکی روزه، چون استقلال از یکدیگر دارند، لذا در اینجا می‌گوییم: تبعیض جایز است و اشکالی هم ندارد.

پس در اعمال مستقلة هم مسئله تبعیض بستگی دارد به این که ببینیم آیا ملازمه‌ای بین آنها وجود دارد یا نه؟

جمع بندی استاد محترم از بحث

پس نتیجه بحث امروز این شد که بین دو مجتهد مساوی تبعیض جایز است، اما در مرکبات ارتباطیه حق با مرحوم آقای خوئی (ره) است و تبعیض جایز نیست.

در اعمال مستقلة هم اگر دلیل بر ملازمه باشد، حکم مرکبات ارتباطیه را دارند، اما اگر دلیل بر ملازمه نباشد، حکم افعال مستقلة را دارند و تبعیض در آنها جایز است.

کسانی که بر تقلید اعلم فتوایی داده‌اند، در اینجا هم اگر دو اعلم باشد، یکی اعلم در عبادات و دیگری اعلم در معاملات، تبعیض در اینجا را واجب می‌دانند، اما کسانی که تقلید از اعلم را بنابر احتیاط وجوبی قائل‌اند، در اینجا هم دو اعلم داریم، احتیاط وجوبی داده‌اند که در عبادات به یکی رجوع کند و در معاملات به دیگری.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين